Archive of SID

تأثیرپـذیری مکتـب ادبـی سوررئالیسـم از دسـتاوردهای مکتـب روان‌تحلیل‌گری زیگموند فروید با تأکید بر «ضمیر ناخوداگاه»

سلیمان یحیی زاده جلودار[1]

چکیده

یکی از بهترین نمونه‌های تعامل میان دست‌آوردهای متفـاوت در دانش‌هـای بشـری و تأثیر بر دیگر عرصه‌های معرفت، نظریه‌ی روانکاوی فروید و تـأثیر آن بـر روان‌شناسـی جدید و همچنین هنرمنـدان سوررئالیسـت اسـت. در آثـار منتشـر شـده در ایـران در خصوص مکتب ادبی سوررئالیسم، مبحث ضمیر ناخودآگاه بیشتر از منظر هنرمنـدان و ادبا بحث و بررسی شده است. در این پژوهش سعی بر آن است، بیشتر تمرکـز و تأمّـل بر علم روانکاوی و روان‌تحلیل‌گری باشد. در این پژوهش هم‌چنین سعی محقق بـر آن است تا بر نقش، و تأثیرگذاری یافته‌های فروید و سایر پیروانش بـر حـوزه‌ی ادبیّـات و هنر تأکید گردد. این پژوهش، به روش کیفی و تحلیل محتوا از نوع میان‌رشته‌ای است که وجهه‌ی همت آن تمرکز و تأکید شالوده‌ای بر وجه روانکاوی و روان‌شناختی اسـت. لذا تلاش شده است، با تأکید بر منابع روانکاوی و روان‌شناسی بـر روی موضـوع امیـال واپس‌رانده و اعماق ضمیر پنهان و تفکر ناخودآگاه و نقش آن در مکتب ادبی و هنـری سوررئالیسم بررسی و تحلیل انجام پذیرد. مهم‌ترین دستاورد این جسـتار، تأثیرپـذیری گسترده‌ی سوررئالیست‌ها از مفاهیمی چون: تداعی آزاد معانی، تعبیر رؤیا، ناخودآگـاه، خواب مصنوعی و نگارش، لغزش‌های لپـی، واپس‌رانـی و خلـق آثـار هنـری و ادبـی از مجرای بی‌بخودانگی عاطفی و ذوقی است.

واژه‌های کلیدی: مکتب روانکاوی، مکتب سوررئالیسم، ضمیر ناخودآگاه، تداعی آزاد، لغزش‌های لپی

۱ـ مقدّمه

روان‌تحلیل‌گری[2] و یا درمان بر اساس روانکاوی، یک روش گفتمانی دقیق اسـت که هدف آن کشف افکار و احساسات ناخودآگاهی است که در اعمـاق وجـودی

[1]- استادیار گروه آموزش و اشتغال زنان دانشگاه مازندران

ys_yahyazadeh@yahoo.com

[2] -Psychoanalysis

www.SID.ir

Archive of SID

بیمار، دفن شده است که اغلب آن‌ها ناشی از تجربیات و احساسات سرکوب شده‌ی دوران گذشته، به‌خصوص دوران کودکی است. روانکاوی رویکرد و تکنیکی خاص است که به روانکاو کمک می‌کند تا از طریق آن به کاوش در ذهن بیمار بپردازد (پاسیر و همکاران[1] ۲۰۰۱) . روانکاوی نوعی درمان بر اساس نظریه‌های فروید است. فروید عقیده داشت، تمام ترس‌ها و آرزوهای ما ریشه در اعمال و افکار سرکوب‌شده‌ی دوران گذشته، در ذهن ناخوداگاه ما وجود دارند. او در نظریه‌اش، سه عنصر نهاد، خود و فراخود را مطرح کرد. از نظر او نهاد[2] بر اساس اصل لذت عمل می‌کند و شامل غرایز و رفتارهایی است که از بدو تولّد در انسان وجود دارد و از ناخودآگاه او سرچشمه می‌گیرد. فراخود[3] نیز بر اساس اخلّاق، وجدان و تمایلات آرمان‌گرایانه، لذّت‌های نهاد را سرکوب می‌کند. خود[4] نیز میان این دو، تعادل ایجاد می‌کند تا رفتار قابل قبولی از فرد بروز داده شود (سانتروک[5]، ۲۰۰۱) . سرانجام فروید با روشی علمی در راه درک و چگونگی پیدایش معلول‌های پیچیده، مانند لغزش‌های کلامی و رفتاری، تداعی آزاد، شوخی‌های گذشته‌ی انسان، کودکی، علایق، میل و هیجان‌ها، رؤیاها، ضمیرپنهان، امیال واپس‌رانده، ترس، عشق، نفرت و سایر ویژگی‌های روانی، کشفیات ارزنده‌ای در ذهن ناخودآگاه دست یافت. او ذهن ناخودآگاه را حقیقت ذهن انسان و روانکاوی را کاوش در روان ناخودآگاه دانست (آل احمد، ۱۳۷۷: ۱۱۷). فروید به عنوان یک پژوهش‌گر و دانشمند در حوزه‌ی روان‌شناسی، نظریه‌ی شخصیت خود را بر مبنای مشاهده‌ی بالینی بیمارانش بنا نهاد. فروید در خلال یک رشته جلسات روانکاوی طولانی، آنچه را بیمارانش درباره‌ی احساسات و تجربیات گذشته

[1] -Passer et al.
[2] -Id
[3] -Superego
[4] -Ego
[5]- Santrok

www.SID.ir

Archive of SID

واقعی و خیالی خود به او گفتند به طور خلّاق تعبیر کرد. روش او با تحقیق آزمایشگاهی دقیق عناصر تجربه‌ی هوشیار یا رفتار، کاملاً فرق داشت (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

فروید در مقام یک روانکاو در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که در حوزه‌ی روان، درست مانند فرایندهای جسمی، هیچ رویدادی اتفاقی نیست (یعنی بدون علّت روی نمی‌دهد)، این بدان معناست که هر رفتار آدمی معلول یا تحت تأثیر عوامل طبیعی گوناگون است. فروید با کتاب تعبیر رؤیاها (۱۹۰۰) برای اثبات جبر حاکم بر رخدادهای روانی از مجموعه‌ی غنی مشاهدات خود بهره گرفته بود. برخی روانشناسان تا آن زمان اصل علّیت باوری روانی را شناخته بودند ولی آن را فقط در رفتار آگاهانه و عمدی می‌دیدند؛ فروید این اصل را به هر رخداد روانی به ظاهر کم اهمیت نسبت می‌داد و اعتقاد داشت که بررسی علّت و معلول پدیده‌های روانی ظاهراً بی‌معنا، که علم تا آن زمان آن‌ها را نادیده گرفته بود به شناخت عمیق‌تر حیات باطنی انسان‌ها می‌انجامد (بکولا، ۱۳۸۷: ۲۲۶-۲۲۵). این کشف علمی فروید، علوم مختلف را از جامعه‌شناسی، فلسفه، زبان‌شناسی، سیاست، پزشکی، هنر و ادبیّات را تحت تأثیر قرارداد؛ مکتب سوررئالیسم نیز یکی از عرصه‌هایی است که در حوزه‌ی هنر و ادبیّات مستقیماً از یافته‌های فروید بهره برده است. این تأثیر از این منظر بود که مکتب سوررئالیسم سعی کرد از جنبه‌های مثبتِ تفکّر ضمیر ناخودآگاه استفاده کند نه بر جنبه‌های درمانی مربوط به ناهنجاری‌ها و بیماری‌های مربوط به اختلالات شخصیت. این شیوه‌ی استفاده، آن‌ها را به کاربردهای عملی در زندگی در زمینه‌ی خلّاقیت، هنر و نگارش خودکار و زیبایی‌شناختی فرامی‌خواند (لینگز، ۲۰۱۷: ۲۶۱). البته خود فروید اولین کسی بود که اصول علم روانکاوی را در

www.SID.ir

Archive of SID

هنر و نگارش به‌کار می‌گرفت و حتّی در ابتدا برای موضوع کارش، زندگی و کار لئوناردو داوینچی را انتخاب کرد (بلوم[1]، ۲۰۰۱).

در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد علم روانکاوی و روان‌تحلیل‌گری و تأثیر آن بر مکتب ادبی سوررئالیسم مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش هم‌چنین تلاش خواهد شد تا بر نقش و تأثیرگذاری یافته‌های فروید و سایر پیروانش بر حوزه‌ی ادبیّات و هنر و نگارش خودکار تأکید شود. در مقاله‌ی پیش رو، ضمن توجه به مباحث هنری و ادبی، تأکید بر مباحث روانکاوی و روان‌شناسی است؛ ازاین‌رو تلاش می‌شود با تأکید بر منابع مهم روانکاوی و روان‌شناسی بر روی موضوع امیال واپس‌رانده به اعماق ضمیر پنهان و تفکر ناخودآگاه و نقش آن در مکتب ادبی و هنری سوررئالیسم، تحلیل و بررسی صورت پذیرد. این پژوهش، به روش کیفی و تحلیل محتوی از نوع میان‌رشته‌ای است که وجهه‌ی همّت آن تمرکز و تأکید شالوده‌ای بر وجه‌ی روانکاوی و روانشناختی است.

۲-ضمیر ناخودآگاه[2]

شاید بتوان گفت، که مهم‌ترین دستاورد فروید این بود، تشخیص دهد چگونه نیروهای ناهوشیار، بر رفتار انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. او از راه مشاهده‌ی بیمارانش به وجود ناهوشیار پی برد. وی معتقد بود ناهوشیار، مخزن افکار، خاطرات و امیالی است که کاملاً زیر سطح آگاهی هوشیار قرار دارد، ولی تأثیر زیادی بر رفتار فرد می‌گذارد (سید محمدی، ۱۳۹۳). در نظریه‌ی روانکاوی اکثر اعمال انسان تحت تأثیر فرآیندهای ناهوشیار (ناخودآگاه) قرار دارند. این رویکرد علاوه بر روان‌شناسی، بر علوم اجتماعی و حتّی علوم انسانی، هنرهای زیبا و نگارش‌های خاص تأثیر زیادی گذاشته است (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۵: ۲۴۸). یک پژوهشگر نظریه‌ی روانکاوی اظهار داشت: این روزها در مورد این‌که

[1] -Blom
[2] -Unconscious

www.SID.ir

Archive of SID

بیشتر عملکردهای (روان‌شناختی) بدون انتخاب هوشیار صورت می‌گیرد و برخی از رفتارهای ما برخلاف میل هوشیار روی می‌دهند، اتّفاق نظر وجود دارد (کرون و پروین[1]، ۲۰۱۸: ۲۶۸). اکنون به نظر می‌رسد که ناهوشیار، هوش‌مندانه‌تر از آن است که ابتدا تصوّر می‌شد؛ چنان‌که قادر است اطلاعات کلامی و دیداری و هنری پیچیده را پردازش و حتّی رویدادهای آینده را پیش‌بینی و (برای آن‌ها برنامه ریزی) کند. به نظر می‌رسد ناهوشیار صرفاً مخزن سایق‌ها و تکانه‌ها نیست، و در حل مسأله، فرضیه‌آزمایی، و خلّاقیت نیز نقش دارد (پورنشتاین و ماسیلینگ[2]، ۱۹۹۸: xx). این عقیده که نیروهای ناهوشیار می‌توانند بر فکر و رفتار هوشیار تأثیر بگذارند، کاملاً ثابت شده است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۱۲). در واقع عناصر ناخودآگاه توسط نیروهای فوق‌العاده خودآگاه به عقب رانده و طرد شده‌اند و با غلبه بر نیروهای خودآگاه است که عناصر ناخودآگاه هم می‌توانند وارد قسمت خودآگاه ذهن شوند (موللی ۱۳۸۳: ۱۷). تفکّر ناخودآگاه به صورت مستقیم قابل درک نیست، فرآیند تفکّر ناهوشیار، یک ظرفیت بسیار بزرگ‌تری از بخش تفکّر خودآگاه دارد، این توانایی به تفکّر ناخودآگاه اجازه می‌دهد تا به صورت غیرمستقیم و مبدّل بروز کند (دیجکستریوس[3] و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۱).

۳-تداعی آزاد[4]-ابداع روان کاوی

مبنای تداعی آزاد بر این اصل استوار است که فرد، هر چه را که به ذهنش می‌رسد بر زبان آورد. بیماران باید، بدون نگرانی در باره‌ی دردناک، خجالت‌آور، یا غیر منطقی بودن افکارشان حرف بزنند، به افکارشان اجازه داده می‌شود تا از موضوعی به موضوع دیگر بروند، بدون آن که خودسانسوری داشته باشند. هدف

[1]- Cervone & Pervin.
[2]- Pornstein & Masling.
[3]- Dijksterhuis et al.
[4]- Free association.

www.SID.ir

Archive of SID

از تداعی آزاد کاهش مقاومت دفاعی است. به‌گونه‌ای که افکار و احساسات ناهوشیار بتوانند ظاهر شوند. هدف روانکاوی این است که تعارضات (احساسات و انگیزه‌های واپس‌رانده شده) وارد هوشیاری شوند تا به شیوه‌ی منطقی‌تر و واقع بینانه‌تر بتوان با آن‌ها برخورد کرد (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۵: ۴۹۴). فروید برای این‌که به بیمار کمک کند تا مواد سرکوب شده را به یاد آورد از درمانجو می‌خواست بر رویدادهای گذشته تمرکز کند. بیمار باید به نوعی خیال‌پردازی با صدای بلند می‌پرداخت و هر چه به ذهنش می‌رسید، بیان می‌کرد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در این روش روان‌شناس به درمانجو می‌گوید هر چه را که به ذهنش می‌رسد بلافاصله بگوید، حتّی اگر در نظرش بی معنی، تمسخر آمیز، پیش پاافتاده، بی‌اهمیت، و یا خجالت آور باشد. فروید به دقّت به تداعی‌های کلامی گوش می‌داد و موضوعات آشکار و نهان را که در اثر آن‌ها تکرار می‌شد کشف می‌کرد. به عقیده‌ی وی، این موضوعات نشان دهنده‌ی امیدها و ترس‌های ناهوشیار فرد بودند. در این شیوه روانکاو به‌عنوان یکی از روش‌هایی که به چالش‌های رفتاری افراد پی می‌برد استفاده می‌کرد. در این روش آزمودنی به صورت ناخودگاه اطلاعات ناب و اصیل را در اختیار روانکاو قرار می‌دهد.

۴-وا پس رانی[1]

در واپس‌رانی، امیال یا خاطرات بسیار دردناک یا ترسناک، به حوزه‌ی خودآگاه، ممنوع‌الورود می‌شوند. خاطراتی که خجالت، عذاب وجدان یا سرزنش خود فرد را موجب می‌شوند، معمولاً به درون ناخودآگاه واپس‌رانده می‌شوند (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۵: ۲۵۴). واپس‌رانی واژه‌ای است که فروید نخست اعمالی را که منتج به "هیستری" و "روان نژندی" می‌شد، به‌کار برد. در مطالعـه‌ی هیستری فروید با این پدیده روبه‌رو شد که برخی از بیماران او خاطراتی را به یاد

[1] -Repression

www.SID.ir

Archive of SID

نمی‌آورند؛ هر چند که اگر به خاطرشان می‌آمد، کاملاً واضح بود، اطلاعاتی که بیمار آرزو داشت آن‌ها را فراموش کند. بنابر این عمل "نیت‌مندانـه[1]" که آن را از تفکّر آگاهانـه‌اش واپس‌زده، «منع‌شده[2]» و «سرکوب[3]» می‌شد؛ چون جوهر واپس‌رانی به سادگی در کار طردکردن و چیزی را بیرون از آگاهی نگهداشتن است. فروید همیشه اصرار داشـت کـه چیزهـای واپس‌رانده، نه تنها از نابودی می‌گریزند و در ناخودآگاه نگاهداری می‌شوند، بلکه گرایشی به بازپدیدارشدن دارند. بازپدیدآمدن در نتیجه‌ی سازش بین اندیشه‌های "واپس‌زده " است و به صورت مبدل در رؤیا و.... پدیدارمی‌شوند (صنعتی، ۱۳۸۴: ۲۹).

۵-واپس روی و ضمیر ناخودآگاه

فروید معتقد بود که خاطرات فراموش شده از بین نمی‌روند بلکه در اختیار شخص هستند و آماده برای ظهور و بازگویی مجدّدند؛ ولی نیرویی وجود دارد که از این امر جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد خاطرات ضمیرناآگاه به خودآگاه وارد شوند و آن‌ها را در همان جا ابقا می‌کند. از نگاه روانکاوی فروید، برای درمان بیماران روانی، نیاز به این خاطرات و تصاویر ناخودآگاه است. بر اساس این نظریه در درون انسان امیال و آرزوهای متفاوت و گاه متضادّی هستند که به صورتی آگاهانه یا ناآگاهانه مدام در ستیز و تضاد هستند. به‌خصوص در مورد امیال و آرزوهایی که با معیارهای اخلاقی شخص و یا به طور کلی، جامعه، در تقابل هستند. در این حالت، معمولاً این میل متفاوت و غریزه‌ی سرکش است که در مقابل امیال دیگر که از رویکردهای اخلاقی جامعه نیز نیرو می‌گیرد، و در مواجهه با آن‌ها شکست خورده، به مرور وارد قسمت ضمیر ناخودآگاه می‌شود. البته اگر این نزاع درونی امتداد داشته و مدّت زمانی طولانی ادامه داشته باشد، آرامش و تعادل روانی فرد را برهم می‌زند و باعث روان‌پریشی می‌شود و گاه نیز

[1] -Intentionally
[2] - Inhibited
[3] - Inhibited

www.SID.ir

Archive of SID

به صورت فیزیکی و فلج شدن در قسمت‌هایی از بدن ظاهر می‌گردد که همان بیماری هیستری است (فروید، ۱۳۵۱: ۷۹-۸۸).

فروید پس از تجارب و تحقیقات بسیار پی برد که در مغز قسمت‌های فعّالی وجود دارد که برای یک محقّق دست یافتن به آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. حتّی خود شخص که تحقیق بر روی او صورت می‌گیرد از وجود این بخش‌ها آگاه نیست و این قسمت‌ها مجهول و مخفی هستند. فروید این قسمت‌های فعّال را تشریح و توصیف نمود و آن‌ها را قسمت ناخودآگاه ذهن نامید. فروید با شیوه‌های خواب مصنوعی، به وجود "ضمیر ناخودآگاه" پی برد. در این روش، بیمار در محیطی آرام و آسوده دراز می‌کشید و روانکاو از او سؤالاتی می‌پرسید و بیمار آزادانه و باب میل خود هر طور می‌خواست جواب می‌داد. فروید از طریق این «داده‌ها» به نهاد بیمار راه می‌یافت و آن را می‌شناخت. او حتّی در این روش، نیروهایی را شناسایی‌کرد که از تبدیل ناخودآگاه به خودآگاه جلوگیری می‌کنند. او اغلب به معمّاهای این روش از طریق خودکاوی پاسخ می‌داد. از نظر فروید از دیگر نشانه‌های وجود ضمیر ناخودآگاه در ذهن انسان "فراموشی" و سپس به خاطر آوردن مفاهیم، نام‌ها، مکان‌ها و... است. امری که اکنون فراموش شده به قسمت ناخودآگاه وارد شده است و یادآوری آن نیز انتقال همان امر از ناخودآگاه به خودآگاه است (زیگموند فروید، ۱۳۵۱: ۱۱۱-۱۱۵). فروید روان انسان را به توده‌ی یخ شناور در آب تشبیه می‌کند که قسمت بزرگ‌تر آن در درون آب و از آگاهی و شناخت ما پنهان است و قسمت ناچیزی از آن (خودآگاه) قابل مشاهده است. روان ناآگاه شامل عواطف، امیال و اغراضی است که فرد از دیگران و بالاتر از آن، از خود می‌پوشاند. این قسمت، یعنی قسمت ناخودآگاه روان به مراتب از قسمت خودآگاه وسیع‌تر و حتّی فعّال‌تر است؛ اگرچه نسبت به فعّالیت‌های آن آگاهی نداشته باشیم. برای شناخت اعماق وجود انسان و شناخت واقعی روان او ناگزیر از شناسایی همین

www.SID.ir

Archive of SID

قسمت ناخودآگاه روان هستیم (داونز، ۱۳۸۲: ۲۴۳). نظریه‌ی روانکاوی از چند دهه تعامل فروید با بیمارانش در جریان روانکاوی به وجود آمد. در این روش درمان‌کننده تلاش می‌کند تا شخصیت و رفتار فرد را با تمرکز بر تجربیات دوران گذشته‌ی زندگی، به ویژه امیال و تمایلات سرکوفته، ناهوشیار را کشف کند و به دلایل واقعی آن‌ها پی ببرد.

۶-لغزش‌های لپی[1]

به آن دسته از رفتارها و گفتارهایی گفته می‌شود که به‌طور ناخواسته از آدمی سر می‌زنند و باعث آشکار شدن نیّت‌ها و خواسته‌های درونی شخص می‌شوند و هر نوع اشتباهی شامل فراموشی نام‌ها، اشتباه‌های لفظی، لغزش‌های زبانی نوشتاری و به طور کلی طیف وسیعی از اشتباه‌ها را شامل می‌شود. فروید معتقد است که در پس هرکدام از این اشتباه‌ها مفهومی نهفته است و یا دست کم بیشتر این اشتباه‌ها بیان کننده‌ی مفهومی غیرقابل اشتباه هستند که در ضمیر ناخودآگاه گوینده وجود دارند و قرار بوده که مخفی بمانند. آن‌ها می‌توانند در یک اثر عالی از هنر و نگارش اتفاق بیفتد، آن‌ها اشتباه نیستند؛ امّا جزئیات دقیق از همه‌ی مفاهیم زیباشناختی هنرمند است (ماهون[2] ۲۰۰۰: ۱). «حقیقت امر این است که اشتباه لپی معنایی را در بر دارد که به‌نظر می‌رسد در موارد خاصّی بدیهی و غیر قابل اشتباه است. به کرّات اتّفاق افتاده است که یک نویسنده‌ی خلّاق یک لغزش زبانی یا برخی اشتباهات لپی دیگر را به عنوان یک وسیله برای خلق یک اثر تخیّلی به‌کار گرفته است. این حقیقت امر باید به تنهایی به ما بباوراند که او اشتباهات لپی را در نظر داشته است؛ در واقع او با سنجش و ملاحظه دست به خلق اثر زده است. چنین رویدادی به این علّت نیست که نویسنده دچار یک لغزش قلم تصادفی شده است و اجازه‌ی استفاده

[1] -Parapraxes
[2] -Mahon

www.SID.ir

Archive of SID

از آن را به وسیله‌ی یکی از شخصیت‌های داستانش، همچون یک لغزش‌زبانی، داده است. او بر آن است که توجّه ما را به چیزی، به واسطه‌ی کمک‌گیری از لغزش‌زبانی، جلب نماید و ما می‌توانیم آنچه که منظور وی بوده، جویا شویم» (فروید، ۲۰۱۳: ۴۶-۴۵). دیدگاه روان‌تحلیل‌گری معتقد بود که در پی هر جمله یا کلمه گفتاری که انسان اشتباهاً بیان می‌کند، مفهومی نهفته است و یا دست کم بیشتر این اشتباهات، بیان کننده‌ی مفهومی غیرقابل اشتباه هستند که در ضمیر ناخودآگاه گوینده وجود دارند و قرار بوده که مخفی بمانند. بنابراین، این اشتباهات، واقعه‌ای تصادفی نیستند، بلکه بیان‌هایی اصیل و واقعی هستند که فرد سعی در مخفی کردن آن‌ها دارد.

۷-تحلیل رؤیا

فروید معتقد بود رؤیاها، به‌صورت نمادی، امیال، ترس‌ها و تعارضات سرکوب شده را نشان می‌دهند. این احساسات به قدری شدید سرکوب شده‌اندکه فقط هنگام خواب، به صورت تغییر شکل یافته، به سطح می‌آیند. امیال و آرزوهای سرکوفته و واپس‌زده‌ی انسان و نیز خاطرات و تصاویر فراموش گشته‌ی او در حالت خواب به شکلی دیگر خود را وانمود می‌کنند. در زمان بیداری، آن نیروی مقاومی که مانع ورود محتویات ناخودآگاه به خودآگاه می‌شود، این بازداری بسیار نیرومند است؛ ولی موقع خواب، تنها می‌تواند روکشی بر روی آن تصاویر کشیده و به آن‌ها اجازه دهد به شکلی تغییرشکل یافته وارد خودآگاه شوند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۳). به عبارتی روشن‌تر "در بزرگ‌سالان نیز هم‌چون کودکان، افکار پنهانی رؤیا، همان آرزویی است که در زمان‌های گذشته برآورده نشده است" (فروید، ۱۳۵۱: ۱۱۲). رؤیاها چهره‌هایی تغییر شکل یافته یا درهم از همان آرزوها و تصاویر واپس‌زده است و قسمت اعظم رؤیاها مربوط به تجربیات و تأثّراتی است که در دوران کودکی داشته‌ایم (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

www.SID.ir

Archive of SID

۸-رؤیا و ضمیر ناخودآگاه

فروید می‌گوید که همان سازوکارهای ناخودآگاهی که در شکل‌گیری رؤیا نقش دارند، در کار هنری نویسنده و شاعر نیز عمل می‌کنند. دو سال پس از انتشار "نویسنده‌ی آفریننده و رؤیای روز" در سال۱۹۱۰ فروید رساله‌ی خود را درباره‌ی لئوناردوداوینچی نوشت. اثری که از راه خاطره‌ی رؤیایی که هنرمند در کودکی دیده بود (پرنده‌ای چند بار دم خود را به دهان لئوناردو فرو می‌برد) به رازهایی در آثار او می‌پردازد؛ اگر سرهای زیبای کودکان را باز تولید چهره‌ی کودکی نقاش بدانیم، زن متبسّم هم کسی جز مادر او، کاترینا، نخواهد بود و گمان ما تقویت می‌شود که این لبخند اسرارآمیز به مادر او تعلّق داشته است و حال این لبخند گم گشته را با اشتیاق بسیار در بانویی فلورانسی باز یافته است . حضور دو مادر و همجنس‌خواهی. این نوشته‌ی فروید جدا از اشتباه در کرکس انگاشتن آن پرنده (که نتیجه‌ی برگردان آلمانی نادقیقی بود که از متن لئوناردو در اختیار فروید قرار داشت)، و در نتیجه، استنتاج‌هایی در مورد "تک جنسی بودن کرکس"، باز در بررسی جایگاه و نقش ناخودآگاهی هنرمند در آثاری که می‌آفریند، کاری درخشان و کلاسیک محسوب می‌شود. فروید پس از شرح سرچشمه‌ی اثر هنری در ناخودآگاه هنرمند و توضیح همانندی اثر با رؤیای روز، اعتراف می‌کند که قادر به روشن کردن نکته‌ی مهمی نیست، نکته‌ای که از مرز روانکاوی و روان‌شناسی خارج می‌شود و در منطق زیبایی شناسی ناب قابل فهم است. به نظر فروید، هنوز به درستی معلوم نیست که نویسنده چگونه رؤیای روز خود را در پیکر اثر هنری به ما ارائه می‌کند؟ چگونه است که کار او در ما تأثیری چنین ژرف می‌گذارد، و لذتی هنری و زیبایی‌شناسانه را موجب می‌شود؟ این همان هنر آفرینندگی اوست (احمدی، ۱۳۷۵: ۳۵۲-۳۵۸). به طور کلی فروید معتقد است که رؤیا، بیان کننده‌ی یک راهنما به سمت ناخودآگاه است؛ زیرا امیال نهفته در رؤیاها به صورت آزادانه

www.SID.ir

Archive of SID

بیان می‌شوند. معمولاً انسان‌ها محتوای آشکار رؤیا را به یاد می‌آورند؛ ولی محتوای پنهان معمولاً نهفته می‌ماند و با کمک یک متخصص قابل تفسیر است.

۹-سوررئالیسم

ظهور سوررئالیسم مصادف بود با دوره‌ای که نظریات زیگموند فروید، در باره‌ی "ضمیر ناخودآگاه"، "تعبیر رؤیا" و "واپس‌رانی" تفکّر کنجکاو را به خود مشغول داشته بود. سوررئالیسم یک جنبش و مکتب ادبی و هنری است که توسط شاعر و منتقد فرانسه، آندره برتون تأسیس شد. برتون خود این اندیشه را از تحقیقات فروید الهام گرفته و پایه‌ی مکتب جدید خود را بر فعّالیت "ضمیر ناخودآگاه" بنا نهاد. وی آثار سوررئالیستی خود را در یک بیانیه در سال ۱۹۲۴ در پاریس منتشر کرد. در این جنبش، تفکّر غیر منطقی بهترین حالت درک و بازنمایی واقعیّات ذهنی است. سوررئالیسم بر نقش ضمیرناخودآگاه در فعّالیت‌های خلّاقانه تأکید می‌کند و بخش ضمیرناخودآگاه ذهن را به شیوه‌ی منظّم و جدّی‌تری به کار می‌گیرد. این جنبش، در زمینه‌ی نقاشی، مجسمه سازی و ادبیّات، و بر توهّم و بیانات به ظاهر غیرمنطقی، نوشتن خودکار و تداعی آزاد تأکید داشت (سابتین و چاندرا[1]، ۲۰۰۱: ۲۱۶). از نظر برتون یگانه هدف هنر، همانا آشکارکردن امور غیر عقلانی، حیرت‌انگیز و خیالی است. چنین است که برتون اصل تداعی آزاد فروید را به کار می‌بندد. بی‌تردید بخش اعظم اندیشه‌های سوررئالیست‌ها در "نگارش خودکار" و چینش تصاویر در هنر مدیون اندشه‌های فروید است (لوماس[2]،۲۰۰۰: ۲). در فرهنگ آکسفورد سوررئالیسم این گونه تعریف شده است؛ "یک جنبش و سبک هنری در اوایل قرن بیستم است که در جهت فهم ظرفیت بالقوّه‌ی ذهن، و جستجو در ضمیر ناخودآگاه ذهن است که به صورت نگارش خودکار و چینش تصاویر نامعقول در

[1] -Sebastian & Chandra
[2] -Lomas

www.SID.ir

Archive of SID

کنار هم، و پی بردن به عمق رؤیاهای افراد است. این جنبش در سال ۱۹۲۴ توسط مأموریت آندره‌برتون و با داشتن محتوای سیاسیِ قوی شروع به‌کار کرد. این جنبش از نمادگرایی و دادائیسم گسترش یافت و به شدّت تحت تأثیر اندیشه‌های زیگموند فروید قرار داشت. افرادی که در این زمینه شاخص بودند و کارکردند و در هنرهای تجسّمی، برجسته‌ترین آن‌ها آندره‌ماسون، جین آرپ، جوآن میرو، رنه مگریت، سالوادور دالی، ماکس ارنست، مان‌ری و لوئیس بونوئل بودند" چند شیوه‌ی عملی پیشنهاد می‌کنند که ساده‌ترین آن‌ها "نوشتن خودکار" است. یعنی نویسنده پس از آنکه خود را به رؤیا سپرد هر چه به ذهنش رسید باید بی‌تأمّل یادداشت کند. اولین جمله خود به خود می‌آید و به دنبال آن جملات دیگر... (فرهنگ آکسفورد، ۲۰۱۷: ۱۳۱۰). آندره‌برتون تعریف خود را از سوررئالیسم این‌گونه ابراز می‌دارد:«خودکاری روانی محض، که شخص به یاری آن قصد ابراز کارکرد واقعی فکر به طور شفاهی یا کتبی یا به هر طریق دیگرداشته باشد؛ به فرمان فکر، در غیاب هرگونه عنصر بازدارنده‌ی ناشی از عقل و فارغ از هرگونه دلبستگی زیبایی شناسانه و اخلاقی» (برتون نقل از هربرت‌رید، ۱۳۶۴: ۱۲۲). سوررئالیسم، یک مفهوم روانشناختی مدرن است که بر یک حالت رؤیایی که حالت نیمه هوشیار دارد مبتنی است. این حالت گاهی واقعی‌تر از حالت خودآگاه جلوه می‌کند (سینگ[1]، ۲۰۱۱: ۲۲-۲۱). در نهایت سوررئالیسم همان‌طور که برتون می‌گوید، به معنی چیزی خارج از واقعیت یا برتر از واقعیت نیست، بلکه بیشتر به معنی گرایش به عمق و قسمت پنهان واقعیت است (آل احمد، ۱۳۷۷: ۹۶). پیدایش سوررئالیسم کشف یکی از جنبه‌های اصلی وجود انسان بود که دروازه‌ی جدیدی را به روی اکتشافات او در عالم ذهن و ماده باز کرد. سوررئالیسم را باید "قدم گذاشتن افکار انسانی" در حیطه‌ای جدید از هستی و به عبارتی دیگر کسب آزادی متفاوتی دانست که

[1] -Singh

www.SID.ir

Archive of SID

تا حال تجربه نکرده است. بدین ترتیب می‌توان گفت سوررئالیسم در هنر همان فرآیندی است که علم به اختراع می‌انجامد؛ زیرا که اختراع نوعی آفریدن است و به‌راستی که کار حقیقی هنر اختراع است (آل احمد، ۱۳۷۷: ۹۶-۹۷).

سوررئالیسم متّکی است بر باور به واقعیت متعالی شکل‌هایی از تداعی که تاکنون مورد غفلت قرارگرفته، و مبتنی است بر قدرت مطلق رؤیا، و بازی‌های بی‌طرفانه‌ی فکر (بکولا، ۱۳۸۷: ۳۱۶-۳۱۷). آندره‌برتون و لویی‌آراگون از سرمداران سوررئالیسم تحت تأثیر تئوری فروید قرار گرفتند و سراسر هنر خود را مملو از الهامات ذهن ناخودآگاه ساختند. گرچه قبل از سوررئالیست‌ها، نقش ذهن ناخودآگاه و تخیل و تصاویر رؤیاگونه در آثار هنری دیده می‌شود؛ امّا سورئالیست‌ها، با شیوه‌ای مشخص و آگاهانه، هنر خود را با تصاویر ناخودآگاه درآمیختند و به بیانی تخیّلی دست پیدا کردند که موجب خلق تصاویری بدیع و بی‌سابقه در دنیای هنر گردید. در واقع آنان می‌کوشیدند تا از برخورد عوامل ناخودآگاه و خودآگاه، شناخت تازه‌ای به‌وجود آورند که به درک تازه از واقعیت انجامد. بدون شک اندیشه‌های خودکاری سوررئالیست‌های گروه بروتونیان و ازجمله ماسونز[1] از اندیشه‌های فروید ناشی می‌شود (پولینگ[2]، ۲۰۰۸). ضمیر ناخودآگاه فروید تأثیر زیادی بر سوررئالیسم داشت و این تأثیر از این منظر بود که مکتب سوررئالیسم سعی کرد از جنبه‌های مثبت تفکّر ناخودآگاه استفاده کند نه بر جنبه‌های درمانی مربوط به ناهنجاری‌ها و بیماری‌های مربوط به اختلال‌های شخصیت. این شیوه‌ی استفاده، آنان را به کاربردهای عملی در زندگی در زمینه‌ی خلّاقیت، هنر و نگارش خودبه‌خودی به‌کار گرفته می‌شد (لینگز، ۲۰۱۷: ۲۶۱). سوررئالیسم بر این اصل استوار است که منابع پنهانی در ذهن بشر وجود دارد و به این علّت هم است که آنان ادّعا می‌کنند در میراث فرهنگی گذشته هویت‌های کشف نشده‌ای باقی مانده است. جنبه‌های قابل

[1] -Masson
[2] -Poling

www.SID.ir

Archive of SID

تأمّل، که باید به‌صورت موشکافانه به وسیله‌ی علم روانکاوی مورد تحلیل قرار گیرد (سید حسینی، ۱۳۵۸: ۴۲۲).

نگارش خودکار و ضمیر ناخودآگاه در طی سال‌های اولیه‌ی تأسیس سوررئالیست‌ها از جمله سالوادور دالی نیز به کار گرفته شد و حتّی کارهای اصلی دالی نیز از نوشته‌ها و اندیشه‌های ضمیر ناخودآگاه فروید ناشی می‌شود (لوماس[1]، ۲۰۰۰: ۳۲). در قسمت‌هایی از بیانیه‌ی اول سوررئالیست‌ها که در سال ۱۹۲۴ منتشر شده است می‌خوانیم: «یگانه کلمه‌ای که هنوز مرا به هیجان می‌آورد کلمه‌ی آزادی است» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۹۱۵-۹۱۴). در نگاه اول انسان مدرن که آزادی اندیشه برایش مسئله شده بود، امّا از اوایل قرن بیستم که انسان‌شناسی از شناخت تن فراتر رفته و روان را نیز به مثابه‌ی پهنایی بیکران و سرشار از امکانات و مسائل گوناگون، مورد شناسایی قرار داد، مسأله‌ی آزادی نیز رنگ جدیدی به خود گرفت و شکلی دیگر از آزادی به نام آزادی ذهن (نه‌مغز) و روان نیز متجلّی‌شد. نکته‌ی اساسی در مکتب سوررئالیسم این است که این رشته در اصل ازسوی پزشکان پایه‌ریزی و گسترده شده است. آندره‌برتون بنیان‌گذار این مکتب که خود روان‌پزشک بوده است نظریات مربوط به "ضمیر ناخودآگاه" را از فروید، روان‌شناس و روان‌تحلیل‌گر گرفته بود و به عبارتی، فروید به عنوان مبدأ و پدر معنوی مکتب سوررئالیسم شمرده می‌شود.

۱۰-ضمیر ناخودآگاه و سوررئالیسم

ضمیر ناخودآگاه انسان محل و منبع بزرگ ذخیره‌ی تصاویری روشن و ناروشن است. تصاویری که در فضای تاریک ناخودآگاه به صورت مستقل و یا در هم ریخته ذخیره شده‌اند. هنرمند سوررئال با روشنایی انداختن در این انبار بزرگ گاهی اوقات مصالحی از آن بیرون می‌کشد که برای خودش نیز ناشناخته و غیر

[1] -Lomas

www.SID.ir

Archive of SID

قابل یادآوری و شناسایی است. این تصاویر ممکن است حاصل تجربیات خود شخص و یا دیگران باشد. تصاویر حاصل از تجربیات خود شخص نیز ممکن است حاصل تجربیات عملی شخص در زندگی باشد؛ یعنی کارهایی که شخص انجام داده است یا شخص با قدرت تفکّر و تخیّل خویش در برهه‌ای از زندگی، افکار و تصوّراتی ساخته که اکنون آن‌ها را فراموش کرده است. نوع دیگر این تصاویر مربوط به تجربیات دیگران است که در ضمیر ناخودآگاه شخص ذخیره شده است. تجربیات عملی افراد دیگر که شخص شاهد آن بوده؛ یعنی تصاویری که حاصل بینایی شخص است یا تصاویری که ساخته‌ی خود شخص است و بر اساس تجربیات دیگران به وجود آمده است، مثل شنیدن خاطرات و شرح حال دیگران و یا مطالعه‌ی آثار نویسندگان، که حاصل افکار خود را بر روی کاغذ آورده‌اند و شخص با مطالعه‌ی آن‌ها، تصاویری در ذهن خود خلق می‌کند که به مرور ظاهراً این تصاویر را فراموش می‌کند ولی در قسمت ضمیر ناخودآگاه ذخیره می‌شود. اگر سوررئالیسم تداعی آزاد معانی و تصاویر است و هنرمند سوررئال با حالتی شبیه خواب یا قدرت تخیّل قادر است که به آن مفاهیم و تصاویر انباشته شده‌ی ضمیر ناآگاه دست یابد، طبیعتاً هنرمند سوررئالی که در جوامع بسته‌تری زندگی کرده و خطوط قرمز در آن پررنگ‌ترین حضور را داشته است به سرمایه‌ی هنری غنی‌تری دسترسی دارد که اغلب در جامعه، خود شخص قادر و یا مجاز به عیان کردن آن‌ها نیست (صنعتی، ۱۳۹۲: ۲) . به طور کلی مفاهیم ضمیرناخودآگاه، از دیدگاه سوررئالیسم در زمینه‌های هنر و اسطوره، حتّی فراتر رفته، زمینه‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و... را در یک ملت در بر می‌گیرد و باعث ایجاد علایق و تصوّرات مشترک یا نزدیک به هم در بین مردم در یک جامعه می‌شود که برآیند آن نیز نزدیکی ویژگی‌های روانی افراد جامعه به یکدیگر می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱- روش تداعی آزاد فروید و سوررئالیسم

نکته‌ی مهم دیگری که مورد اقبال سوررئالیست‌ها قرار گرفت و سورئالیست‌ها بسیار از آن بهره بردند روش فروید در درمان برخی بیماری‌های روانی بود. فروید در روانکاوی به نوعی بیان آزادانه و بدون سانسور تکیه می‌کرد. بدین ترتیب که بیمار هر آنچه را که به ذهنش خطور می‌کرد به زبان می‌آورد این روش درمانی "تداعی آزاد" نام داشت که بیمار بدون خواب مصنوعی و بدون کنترل ذهن هوشیار هر چه را که به ذهنش می‌رسید بیان می‌کرد: فروید با گوش کردن به تداعی آزاد می‌توانست تصویری از آنچه که به صورت ناخودآگاه در ذهن بیمار می‌گذشت، ترسیم کند و فرآیندهای روانی ناخودآگاه را بررسی کند (برنر، ۱۳۴۷: ۱۵). سوررئالیسم برای ره گشودن به مخزن تصویرهای محفوظ در ناخودآگاه، شماری اسلوب و روش‌های مختلفی داشته، که این‌ها ابزارهایی برای کشف امکانات بالقوّه‌ی انسان به شمار می‌رفتند؛ حالت‌های رؤیازدگی، وهم، مستی و از خود بی خودی، و خواب مصنوعی و نگارش، همگی ابزار سرازیر کردن سیلی از تصویرهای ناخودآگاهند که به درون تفسیر آگاهانه و منطقی از واقعیت یورش می‌برندکه تحت اجبارحالت‌های درونی هنرمند، این تصویرها با واقعیت اضطراب انگیزشان به طور مشخص بیان می‌شود (پاکباز، ۱۳۸۱: ۵۸۲). ضمیر ناخودآگاه منشأ و منبعی بسیار نیرومند برای خلّاقیت‌های هنری است. در آفرینش به سبک سوررئالیسم، هنرمند گاه به شیوه‌هایی همچون جریان سیّال ذهن، تخیّل یا با استفاده از خواب‌ها و کابوس‌های خویش اثری هنری می‌آفرینند که برای خود هنرمند هم مایه‌ی شگفتی است ولی در عین حال قابل شناسایی دقیق و تحلیل و تفسیر نیست،

www.SID.ir

Archive of SID

یا اثر هنری‌اش دارای لایه‌هایی است که برای خود هنرمند نیز تا حال قابل شناسایی نبود.

۱۲-نتیجه‌گیری

پرداختن به هنر، از گذشته‌های دور یکی از دغدغه‌های اصلی انسان بوده است. این بخش مهم زندگی انسان، یعنی هنر، به تناسب تغییرات همه جانبه‌ی زندگی بشر دچار تغییراتی گشته که ما این تغییرات و اشکال گوناگون آن را به نام سبک‌های مختلف هنری می‌شناسیم. سوررئالیسم یکی از این سبک‌ها است که در پی خلّاقیت‌ها و تلاش فروید و مکتب روانکاوی به‌وجود آمد، و در این راستا به نتایج زیر دست یافت: نخست این‌که این مکتب هنری (سوررئالیسم) از دل آرا و تحقیقات علمی سربرآورده است. روان انسان که سرچشمه‌ی خلّاقیت او در عرصه‌های هنری است در پی این نظریات روان‌شناسانه، جلوه‌ای از لایه‌های پنهان آن آشکار گشت که مورد توجه هنرمندان قرار گرفت و مقدّمه‌ی تشکیل یک مکتب هنری به نام سوررئالیسم شد. دومین ویژگی برجسته‌ی این مکتب هنری گستردگی ذاتی آن و در نتیجه تأثیرگذاری مستقیم آن بر بخش‌های دیگر زندگی انسان اعم از سیاست، فرهنگ و ادب، علوم اجتماعی و... شاخه‌های مختلف است. روان انسان و به‌خصوص قسمت ناخودآگاه آن درگیر تمام جلوه‌های زندگی انسان است. سومین ویژگی که از تأثیر روانکاوی نشأت گرفته، به نوعی بیان آزاد (تداعی آزاد) و بدون سانسور تکیه دارد که در تداعی آزاد و بهره‌گیری از اندیشه‌های کلامی آشکار و نهان، نوشتاری و غیرنوشتاری و چینش تصاویری که به نظر ناهمگون می‌آید به شیوه‌ی خلّاقانه در کنار هم، به صورت ناخودآگاه در ذهن می‌گذرد به وجود می‌آید و منشأ جذابیت‌های هنری خاص است. در این شیوه نیز سوررءالیسم روش‌های خاص خود را دارد از جمله

www.SID.ir

Archive of SID

تخیّل، وهم، مستی و از خودبه‌خودی، خواب مصنوعی و نگارش، همگی ابزار سرازیر کردن سیلی از تصویرهای ناخودآگاهند که تحت اجبارحالت‌های درونی هنرمند است. این تصویرها با حالت‌های اضطراب انگیزشان به طور مشخص بیان می‌شود. چهارم تمرکز بر اشتباهات لپی و کلامی و رفتارهای بیان کننده که گاهی اوقات خود فرد می‌تواند به صورت خودکاوی به بعضی از زمینه‌های خاص در خود و دیگران پی ببرد. این تفکّرات می‌تواند در یک زمینه‌ی خاص و خلق یک اثر متعالی در هنر و نگارش اتّفاق و حتّی به کرّات اتّفاق بیفتد که نویسنده‌ی خلّاق، یک لغزش زبانی و یا حتّی برخی اشتباهات لپی دیگر، را به عنوان یک وسیله برای، خلق یک اثر تخیّلی به کار گیرد. ویژگی پنجم، ساز و کار ناخودآگاهی که در شکل‌گیری رؤیا نقش دارند. در کار هنری نویسنده و شاعر نیز عمل می‌کنند مثلاً این‌که خاطره‌ی رؤیایی که هنرمند در دوران گذشته داشته، می‌تواند در کارهای نوشتن و خلق تصاویر بدیع و بی سابقه در دنیای هنر انجامد. فروید پس از شرح سرچشمه‌ی اثر هنری در ناخودآگاه هنرمند و توضیح همانندی اثر با رؤیای روز، اعتراف می‌کند که قادر به روشن کردن نکته‌ی مهمی نیست، نکته‌ای که از مرز روانکاوی و روان‌شناسی خارج می‌شود و در منطق زیبایی‌شناسی ناب قابل فهم است. به نظر فروید، هنوز به درستی معلوم نیست که نویسنده چگونه رؤیای روز خود را در پیکر اثر هنری به ما ارائه می‌کند و چگونه است که کار او در ما تأثیری چنین ژرف می‌گذارد و لذّتی هنری و زیبایی‌شناسانه را موجب می‌شود. این امر نه تنها به گسترش و زایش هرچه بیشتر آثار هنری می‌انجامد، بلکه باعث آشکار شدن جلوه‌هایی پنهان از آثار گذشته‌گان نیز می‌شود. در نهایت می‌توان گفت، وابستگی غیرقابل انکاری در ارتباط میان سوررئالیسم، روان‌شناسی و روانکاوی فروید وجود دارد، تا جایی‌که می‌توان ادّعا کرد اگر نبود

www.SID.ir

Archive of SID

دستاوردهای علمی-تحلیلی فروید و شاگردانش، تحقّق مکتب سوررئالیسم با همه‌ی زوایا، ویژگی و مراتبش متولّد نمی‌شد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و مآخذ:

-آل احمد، مصطفی (۱۳۷۷) *سوررآلیسم انگاره‌ی زیبایی‌شناسی هنری*، چاپ اول، تهران: انتشارات نشانه.

-احمدی، بابک (۱۳۷۵) *حقیقت و زیبای*، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

-اتکینسون و هیلگارد (۱۳۹۵) *زمینه‌ی روان‌شناسی*، جلد دوم، ویراست شانزدهم، مترجم مهدی گنجی، تهران: نشرساوالان.

-ایگلتون، تری (۱۳۸۳) *پیش درآمدی بر نظریه‌ی ادبی*، ترجمه‌ی عباس مخبر، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

-بکولا، ساندرو،)۱۳۸۷) *هنرمدرن*، ترجمه‌ی رویین پاکباز، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

-برتون، آندره نقل از هربرت‌رید (۱۳۶۴) *تاریخ مختصر نقاشی*، ترجمه‌ی احمد کریمی حکاک، تهران: پاپیروس، ۱۲۲.

-پاکباز، رویین (۱۳۸۱) *در جستجوی زبان نو*، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه.

-صنعتی، محمد (۱۳۹۲) *تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیّات*، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

-فروید، زیگموند (۱۳۵۱) *روان‌شناسی*، ترجمه‌ی مهدی افشار، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی کاویان.

-فروید، زیگموند (۱۹۸۲) *اشتباهات‌لپی*، گزیده‌ای از مجموعه سخنرانی‌هایی در باره‌ی روان تحلیل‌گری، ترجمه‌ی حسین آرزومندی۱۳۸۳، تهران: انتشارات بهجت.

-داونز، رابرت بینگهام (۱۳۸۲) *کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند*، گروهی از مترجمان، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-سید حسینی، رضا (۱۳۸۱) *مکتب های ادبی*، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات نگاه.

-شولتز، دوان: شولتز، سیدنی آلن (۱۳۹۴) *نظریه‌های شخصیت*، ویراست دهم، ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی.

-معین، محمد (۱۳۷۵) *فرهنگ فارسی*، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.

-موللی، کرامت (۱۳۸۳) *مبانی روان کاوی فروید- لکان*، چاپ اول، تهران: نی.

-وین، ویتن (۱۳۹۳) *روان‌شناسی عمومی*، ویراست پنجم. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.

-هانت، مورتون (۱۳۸۰) *تاریخچه‌ی روانشناسی از آغاز تا امروز*، ترجمه‌ی مهدی قراچه داغی، چاپ اول، تهران: نشر پیکان.

www.SID.ir

Archive of SID

-Blom, H. P. (2001) *Psychoanalysis and Art, Freud and Leonardo*. August, Research article. *Journal of the American Psychoanalytic Association*. https:doi. Org/10.1177.

-Cervone, D & Pervin, L. A. . (2018) *Personality: Theory and Research 9th Edition November 7*

-Dijksterhuis, A., Bos, M.W., Nordgren, L.F., Van Baaren, R.B. (2006). *On making the right choice: The deliberation-without-attention effect*. Science, 311, 1005-1007.

-Lomas, David. (2000). *The haunted self: Surrealism, Psychoanalysis and Subjectivity*. London: Yale University Press.

-Lingis A. (2017). *This Immense Fascination with the Unconscious: Psychoanalysis and Surrealism*. Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-55518-8_15.

-Mahon, E. J. (2000). *Parapraxes in the Plays of William Shakespeare, in The Psychoanalytic study of the child* 55 (1):335-70· February, DOI: 10.1080/00797308.2000.11822529.

-*Oxford Advanced Learners Dictionary New for* 2017.

-passer, M. W. & Smith, R. E. (2001). *International Edition Psychology, Frontiers and Applications*. McGraw-Hill Higher Education.

-Poling, Clark V. (2008). "*Automatism and the fragmented self." In Andre Masson and the surrealist self*, by Clarke V Poling. New Haven: Yale University Press.

-Pornstein, R. F. & Masling, J. M. (1998). Introduction: *The psychoanalytic unconscious Empirical Perspectives on the Psychoanalytic Unconscious*. American Psychological Association.

-Santrock, J. W. (2001). Psychology, The science of mind and behavior. *Third Edition*, Wm, c. Brown publishers.

-Sebastian, A.J. & Chandra, N.D.R.)2001) *Literary Terms in Poetry ed.* (Delhi : Authorspress, 216.

-Singh S. K. (2011).Surrealist Movement Greener *Journal of Art and Humanities*. Vol. 1 (1), pp. 021-022, December.

www.SID.ir